

مطالعه تطبیقی نقش معامله اتهام در افزایش کارایی نظام عدالت کیفری

مهدی امیری^۱ / سید محمود میرخلیلی^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۵ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۸

کدمقاله: JHVMN-۲۵۱۲-۱۳۴۲

چکیده

معامله اتهام یکی از مصادیق حقوق کیفری قراردادی بوده و توافقی است که بین دادستان و متهم صورت می‌گیرد و طی آن متهم با پذیرش تقصیر و برداشتن بار تحقیقات و جمع آوری ادله از دوش مقام تعقیب از مزایا و تحقیقات قانونی بهرمنده می‌گردد. از جمله مزایای این نهاد می‌توان به کاهش حجم پرونده‌های کیفری، سرعت در رسیدگی و اجرای مجازات، جبران خسارت بزه دیده و جلوگیری از تکرار جرم و بازجامعه پذیری مجرم اشاره نمود. این نهاد ضمن اینکه زمینه ساز و ترغیب کننده افراد به سازش و اصلاح می‌باشد که در قرآن و احادیث مورد تاکید قرار گرفته است، می‌تواند یکی از مصادیق قضازدایی در حقوق ایران محسوب گردد. از نقاط ضعف این نهاد می‌توان به اختیارات وسیع دادستان، ابهام در کشف واقعیت، احتمال پذیرش تقصیر غیرواقعی توسط متهمان اشاره نمود.

واژگان کلیدی: معامله اتهام، متهم، مقام تعقیب، دادگاه کیفری، توافق.

^۱. مهدی امیری، دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق، واحد قم، دانشگاه

آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول) amiri.lawyer@gmail.com

^۲. سیدمحمود میرخلیلی، استاد دانشکده حقوق، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، ایران.

mirkhalili@ut.ac.IR



مقدمه

معامله اتهام که به چانه زنی اتهام و توافق با متهم نیز تعبیر شده است در اصطلاح لاتین PLEA BARGAINING که از ترکیب دو کلمه PLEA به معنای درخواست، دادخواست، دفاع، دفاعیه، عرضحال، مرافعه و BARGAINING به معنای داد و ستد، معامله، توافق، مذاکره کردن، چانه زدن و تعهد متقابل می باشد. (مرادی، موسوی مجاب، عدالت جو، ۳) این نهاد ریشه در نظام کامن لا داشته و خواستگاه آن در کشورهای انگلستان و آمریکا است. امروزه در حقیقت معامله اتهام به عنوان اختراع نسبتاً تازه آمریکایی شناخته می شود که اولین بار در زمان جنگ داخلی آمریکا ظاهر شد و بعداً در اوایل قرن بیستم به ابزاری برای فساد تبدیل شد و سرانجام به عنوان پاسخی به جرم‌انگاری بیش از حد به مشروعیت و استفاده گسترده رسید. (dervan، ۲۰۱۹، ۲) در این نهاد دادستان - با توجه به اختیارات قانونی که به وی تفویض شده است - مسئولیت مذاکره با متهم و ارائه پیشنهادهای اولیه جهت توافق را بعهده دارد و متهم با پذیرش تقصیر نسبت به اتهام سبک‌تر یا اتهامات کمتری پاسخگو خواهد بود و در مجموع مورد تساهل قرار خواهد گرفت. (حیدری، ۱۳۹۵، ۴۲) در واقع مشخصه اصلی این نهاد این است که در همان بدو تشکیل پرونده با انجام توافقی با متهم پرونده مختومه گردیده و از ورود آن به مراحل بالاتر جلوگیری شود. بدین ترتیب مهمترین اثر اجرای نهاد معامله اتهام، کاهش تراکم پرونده های کیفری کم اهمیت مربوط به متهمان یقه آبی با جرائم متعارف و پیرو آن ایجاد صرف زمان بیشتر برای قضات جهت رسیدگی به پرونده های مهمتر می باشد. با دقت در عملکرد شعبات کیفری و بررسی تعداد پرونده های ارجاعی ملاحظه می شود این حجم از پرونده ها موجب افزایش زمان رسیدگی به پرونده ها خواهد بود، بنابراین مزیت دیگر اجرای این نهاد، سرعت در رسیدگی ها و اجرای مجازات می باشد. در خصوص اهمیت سرعت اجرای مجازات ها سزار بکاریا می گوید: «سرعت در اجرای کیفر بسیار مفید خواهد بود زیرا هرچه فاصله تبهکاری و کیفر کوتاه تر باشد تداعی دو مفهوم جرم و مجازات در ذهن انسان قوی تر و پایدارتر خواهد بود به نحوی که انسان رفته رفته یکی را علت و دیگری را معلول ضروری و حتمی بشمار می آورد.» (بکاریا، ۸۵، ۸۴) در اهمیت اجرای این نهاد آمار قابل توجهی ارائه شده است که طی آن ۹۰ درصد پرونده های کیفری در انگلستان دستاورد معامله اتهام می باشد.



(عباسیان، عالیپور، ۹۴: ۷) یا در آمریکا تقریباً ۹۸ درصد از محکومیت های کیفری در سیستم فدرال و ۹۴ درصد از محکومیت های کیفری در سیستم های ایالتی حاصل «معامله اتهام» است. (dervan، ۲۰۱۹، ۱) رشد امار معامله اتهام در امریکا به حدی است که جرج بیل وکیل برجسته آمریکایی صحبت از حذف معامله اتهام را آرمانی خیالی می داند: "صحبت از حذف این شیوه، آرمانی خیالی و ناامیدانه به نظر می رسد. «معامله اتهام» یک عمل تثبیت شده ناشی از ضرورت درک شده توسط رویه قدرتمند و تایید شده در آرای قضایی می باشد. علاوه بر این، لغو «معامله اتهام» توسط کمیسیون پترسون احتمالاً به انجام آن به صورت مخفیانه و غیر رسمی منجر خواهد شد." (Beall، ۱۹۷۷، ۴) در واقع اگرچه در سیر رسیدگی به پرونده از این طریق با پذیرش تقصیر از طرف متهم نسبت به میزان یا نحوه اجرای مجازات وی مصالحه می شود ولی این امر منافاتی با اجرای عدالت ندارد زیرا اولاً در رسیدگی هایی که بصورت عادی و از طریق محاکمه انجام می شود نیز در موارد زیادی دادگاه ها نسبت به اعطاء تخفیف و مزایای دیگر نظیر تعلیق اجرای مجازات اقدام می کنند. ثانیاً تاثیر کیفر وابسته به شدت مجازات نمی باشد. در این خصوص سزار بکاریا در رساله ی جرایم و مجازات ها می گوید: «برای آنکه کیفر تاثیر مطلوب را داشته باشد کافی است که رنج حاصل از آن بیشتر از سودی باشد که از جرم عاید می شود.» (بکاریا، ۸۵، ۶۷) علاوه بر آن باید در نظر داشت امروزه نظام های قضایی پیشرفته در دنیا از عدالت کیفری، سزادهی و اعمال مجازاتهای سنگین و خشن به سمت عدالت ترمیمی و رویکرد بازپروری حرکت کرده اند آنچنان که تا کنون شدت مجازات تاثیر مطلوبی بر کاهش میزان ارتکاب جرایم نداشته است. در واقع «شدت کیفرها باید با وضع کنونی ملتها متناسب باشد، به تدریج که در حالت تمدن طبیعی مردمان به سمت ملایمت می گراید، تاثیر پذیری بیشتر می شود و بنابراین چنانچه بخواهند رابطه میان اثر و احساس را ثابت نگاه دارند باید از شدت مجازات بکاهند.» (بکاریا، ۸۵، ۶۹) توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که معامله اتهام یک امر کاملاً اختیاری برای متهم و دادستان می باشد و ایشان حق دارند از انجام این توافق امتناع نموده و درخواست رسیدگی و محاکمه نمایند، که این خصیصه عامل مهمی در جهت جلوگیری از سوء استفاده احتمالی دادستان از قدرت



خواهد بود زیرا در صورت عدم تمایل متهم به انجام توافق پرونده وی از طریق انجام تحقیقات، جمع آوری دلایل و عندالزوم صدور کیفرخواست پیگیری خواهد شد. عوامل مختلفی از جمله تسهیل سازش، کاهش تورم پرونده های کیفری، بازجامعه پذیری متهمین، حرکت در مسیر قضاودایی و تعیین تکلیف سریع وضعیت متهم اجرای این نهاد را توجیه می کند:

۱- نقش نهاد معامله اتهام در تسهیل صلح و سازش

چنانچه در اجرای این نهاد اخذ رضایت شاکی خصوصی یا برقراری ترتیبات جبران ضرر و زیان شاکی خصوصی را بعنوان شرط مقدماتی بپذیریم، معامله اتهام می تواند طرفین پرونده را به سمت سازش سوق داده و مسیر سازش را برای ایشان هموار نماید. به اهمیت و لزوم مصالحه در منابع اسلامی مکررا تصریح گردیده و در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد تاکید قرار داده شده است:

۱-۱- اهمیت صلح و سازش در منابع اسلامی

همانگونه که اشاره گردید معامله اتهام یک نهاد سازشی می باشد، یعنی علاوه براینکه متهم در این مسیر از امتیازات و تحقیقات قانونی بهرمنده می گردد، میان متهم و شاکی به جهت اقدام به اخذ رضایت، سازش برقرار می گردد و اثر اصلی معامله اتهام را می توان زمینه سازی و ترغیب و تحریک افراد به صلح و سازش با یکدیگر دانست. در اهمیت صلح و سازش می توان به آیاتی از قرآن کریم اشاره نمود، خداوند در آیه ۱ سوره انفال می فرماید: "به خدا تقوا بورزید و میان خود صلح برقرار کنید." همچنین در آیه ۱۰ سوره حجرات خداوند مومنان را به تقوا و سازش با یکدیگر امر نموده است: "پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید." ملاحظه می شود امر صلح و سازش دارای چنان اهمیتی می باشد که خداوند صراحتاً و به کرات مومنان را به این مهم دستور می دهد. حضرت علی(ع) در نامه خود خطاب به مالک اشتر می فرماید: "از صلح و آشتی که رضا و خشنودی خدا در آن است و دشمنی تو را به آن بخواند سرپیچی مکن." (دشتی، ۸۵، ۴۱۷) همچنین ایشان در نامه ۲۷ می فرمایند "اصلاح و سازش دادن میان مردم از تمام نمازها و روزه ها بالاتر است." (دشتی، ۸۵، ۳۹۹) اهمیت موضوع صلح و سازش در کلام امام باقر (ع) به روشنی قابل مشاهده است: "خدایش رحمت کند کسی که میان دو نفر از محبان



و شیعیان ما را دوستی و الفت بدهد، ای مومنان همواره الفت و عطوفت را میان خود ثابت و استوار نگه دارید. (قمی، ۱۴۳۰، ۶۹۲) از مجموع آیات و احادیث ذکر شده ضرورت ایجاد صلح و سازش بخوبی قابل دریافت می باشد اما مسأله مهم یافتن راهکار مناسب جهت برقراری این صلح و سازش در میان مردم است. بدون شک ایراد سخنرانی و ارائه پند و اندرز و نصیحت و سخن گفتن صرف از صلح و سازش نمی تواند تأثیر بسزایی در نهادینه کردن این فرهنگ در میان مردم داشته باشد، در این خصوص دولت می بایست بعنوان حاکم شرایط لازم را جهت سوق دادن مردم به سمت این فرهنگ سفارش شده فراهم آورد که معامله اتهام می تواند یکی از این زمینه ها می باشد، با توجه به لزوم و ضرورت اخذ رضایت شاکی در نهاد معامله اتهام بدون شک زمینه برای تحریک و ترغیب مردم جهت صلح و سازش هرچند به بهانه استفاده از امتیازات قانونی فراهم می شود. متهمی که قصد استفاده از نهاد معامله اتهام را دارد ناگزیر از مراجعه به شاکی و اخذ رضایت او می باشد که نتیجه این امر ایجاد صلح و سازش و جبران خسارت های فی ما بین ایشان خواهد بود. نهایتاً ملاحظه می گردد این نهاد مترقی اگرچه در میان کشور های غربی رایج است اما می تواند در مسیر دستورات دینی، آیات قرآنی و احادیث باشد و موجبات تشویق مردم به برقراری صلح و سازش و حل اختلافات مطروحه را فراهم نماید.

۱-۲- صلح و سازش در قانون آیین دادرسی کیفری

در پرونده های کیفری رسیدگی و اعمال مجازات باید بعنوان آخرین راه موجود بوده و اعمال آن در صورت عجز از ایجاد توافق و سازش بین طرفین باشد. ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس را مکلف نموده است در صورت امکان، سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجیگری نماید. بنابراین بنظر می رسد بعد از چهار دهه نگاه مجازات گرا و اعمال عدالت کیفری محض، زمان آن رسیده است نیم نگاهی به عدالت ترمیمی داشته باشیم و قبل از ورود سریع به ماهیت دعوا و صدور حکم و اجرای مجازات تأمل بیشتری در مراحل اولیه تشکیل پرونده داشته باشیم تا شاید بتوانیم با تمرکز بر راه های موجود جهت حل اختلاف با کمترین اثر کیفری موضوع را مختومه نماییم. همانگونه که اشاره شد با توجه به ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری اعمال نهاد معامله اتهام در پرونده های کیفری را می توان جزو وظایف مقام تعقیب محسوب نمود چرا که با نگاهی نو



به معامله اتهام از منظر راهی صلح و سازش بین شاکی و متهم، می توان استدلال کرد یکی از وظایف مقام تعقیب که برای ایجاد صلح و سازش ذکر شده است می تواند پیشنهاد اعطاء تخفیف و سایر امتیازات قانونی به وی برای پذیرفتن مسئولیت جرم و اخذ رضایت شاکی، باشد. بدون شک ارائه چنین پیشنهادی به متهم از طرف مقام تعقیب موجب تحریک و ترغیب متهم برای سازش با شاکی و اخذ رضایت وی خواهد بود. بنابراین اینکه بگوییم تکلیف مقام تعقیب برای ایجاد صلح و سازش، صرفاً به دعوت لفظی بازپرس از طرفین در دادگاه برای سازش با هم محدود شود نگاهی محدود و از سر رفع تکلیف خواهد بود. یقیناً چنانچه کمی عمیق تر به موضوع نگاه کنیم خواهیم دید معامله اتهام دارای ظرفیت های بسیاری است که یکی از آنها می توان تسهیل صلح و سازش بین طرفین پرونده کیفری باشد.

۲- کاهش ورود افراد به زندان و باز جامعه پذیری مجرمین

بزهکاران یقه آبی افرادی از دهک های پایین جامعه هستند که مرتکب بزه های کم اهمیت یا جرائم متعارف می گردند که بدلیل کثرت پرونده های این دسته از افراد و نتیجتاً افزایش تعداد زندانیان بیشتر وقت و انرژی دستگاه قضایی صرف این افراد می گردد. عدالت کیفری و اجرای مجازات بویژه زندان اگرچه با هدف ایجاد رنج برای مجرم و یا تنبیه وی برای عبرت گرفتن و عدم تکرار جرم می باشد اما بنظر می رسد در جهت ارعاب، تنبیه و بازپروری مجرمین پیش نرفته و خود دارای اثرات سوء و آسیب های جدی برای جامعه می باشد. بسیاری از زندانیان پس از آزادی از زندان نه تنها اصلاح نمی شوند بلکه روش های ارتکاب جرم را به صورت حرفه ای فرا می گیرند، با نگاهی به تاریخ در خواهیم یافت مجازات در جلوگیری از انحرافات موثر نبوده است و کیفر جامعه ای را اصلاح نکرده است. (کی نیا، ۸۸، ۴۹) این نتایج در حدی پذیرفته شده است که هم قانونگذار در تصویب قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی از رویکرد عدالت کیفری فاصله گرفته است و رئیس قوه قضاییه نیز دستورالعملی با عنوان «ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت زندانیان» را در تاریخ ۹۵/۶/۱۷ با هدف کاهش ورود افراد به زندان صادر کرده اند.

از معامله اتهام می توان به عنوان یکی از روش های کاهش آمار زندانیان نام برد، بدین صورت در اجرای این نهاد متهم مسئولیت جرم را می پذیرد و رضایت شاکی را نیز اخذ



می کند در عوض مقام قضایی در میزان مجازات وی تخفیفات و امتیازاتی را اعمال خواهد نمود به طوری که امکان زندانی شدن وی به حداقل ممکن خواهد رسید. با این وصف یکی از اثرات معامله اتهام جلوگیری از تکرار جرم از طریق کاهش ورود افراد به زندان و آموزش روش های بزهکاری در زندان و به تبع آن هموار شدن مسیر بازجامعه پذیری مرتکب خواهد بود. اثرات زندان در نظریه برچسب زنی هاوارد بکر بررسی شده است بموجب این نظریه افرادی که بدو مرتکب جرم می شوند و مجازات در خصوص ایشان اعمال می شود برچسب مجرم بودن به ایشان وارد می شود و به تبع آن فرد به اصطلاح بدنام می شود. این بدنامی باعث می گردد خود فرد نیز برچسب جدید خود اعتقاد پیدا کند و بدون توجه به سایر قابلیت های مثبت خود در اعمال مجرمانه بیشتری درگیر شود و نتیجتاً با ترغیب به همنشینی با سایر افرادی به مانند او «بیگانه» قلمداد شده اند مرتکب تکرار جرم شود. (حسینی، ۱۳۹۰، ۹۱) نتیجه اینکه اجرای نهاد معامله اتهام باعث کاهش اعمال مجازات، کاهش ورود افراد به زندان و پیرو آن جلوگیری از برچسب خوردن و هدایت وی به مسیر جامعه و بازپروری وی خواهد شد.

۳- معامله اتهام ، نهادی در مسیر قضازدایی

معامله اتهام دارای این ظرفیت می باشد که بعنوان روشی برای قضازدایی و کاهش تراکم پرونده های کیفری محسوب گردد، قضازدایی در معنای ماهوی «تمرکز زدایی از رسیدگی های قضایی» می باشد، یعنی حل و فصل اختلاف کیفری در مسیری غیر از محاکمه و رسیدگی قضایی. (محمدی، ۱۳۸۵، ۵) با این توضیح در صورت پذیرش شرط اخذ رضایت شاکی خصوصی توسط متهم در جرایم قابل گذشت مطلقاً و در جرایم غیر قابل گذشت بطور نسبی نیاز به رسیدگی و محاکمه وجود ندارد، بطوریکه در جرایم قابل گذشت با اخذ رضایت شاکی خصوصی اساساً پرونده مختومه می گردد و در جرایم غیر قابل گذشت با پذیرش تقصیر توسط متهم از یک طرف و اخذ رضایت شاکی و جبران خسارت وی توسط متهم از طرف دیگر ، رسیدگی ، تحقیق ، جمع آوری ادله و بسیاری از مسایل دیگر در حاشیه قرار گرفته و بجای محاکمه نمودن متهم به نوعی با وی توافق صورت می گیرد و نتیجه این فرایند نوعی از قضازدایی خواهد بود. بنابراین در کنار تمهید نهاد داوری، شورای

حل اختلاف و ... بعنوان راه هایی برای قضا‌زدایی، توجه به نهاد نوپای معامله اتهام می تواند ثمرات مطلوبی به دنبال داشته باشد.

۴- کاهش تراکم پرونده های کیفری

طرفداران «معامله اتهام» استدلال می کنند که فشارهای آمار بالای پرونده های دادگستری خیلی زیاد است و دادستان ها فرصتی برای دنبال کردن همه کیفرخواست ها ندارند. علاوه بر این متهم ممکن است کاردانی لازم را برای رفتن به محاکمه نداشته باشند، خصوصاً اگر متهم ضعیف باشد با یک نتیجه آشکاری مواجه می شود. (devers, ۲۰۱۱, ۲) یکی از مشکلات موجود دادگاه های کیفری ایران مشکل تراکم پرونده های کیفری و اطاله دادرسی می باشد، نظام قضایی ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ بطور مطلق از اصل قانونی بودن تعقیب پیروی می کرد و پس از تصویب قانون جدید در موارد ۸۰ و ۸۱ اختیاراتی محدود به دادستان برای خودداری از تعقیب متهم و تعلیق تعقیب وی در جرائم درجه شش تا هشت تحت شرایطی نظیر گذشت شاکی و فقدان سابقه موثر کیفری اعطا شده است اما محدودیت های موجود در این مواد بنحوی است که نمی توان گفت نظام مقتضی بودن تعقیب جاری شده است بلکه بنوعی روش بینابین در تعقیب جرائم پذیرفته است و در جرائم درجه شش به بالا کماکان نظام قانونی بودن تعقیب جاری بوده و دادستان موظف به تعقیب آن جرائم می باشد. مع الوصف در ماده ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ قانون گذار نهادی را پیش بینی کرده است که روزنه امیدی برای قابلیت اجرایی شدن نظام معامله اتهام را پیش رو قرار داده است در واقع با پیش بینی کیفرخواست شفاهی راه برای سرعت بخشیدن به رسیدگی فراهم شده است. باید توجه داشت ادامه روند فعلی در رسیدگی های کیفری با وجود ماده ۴۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص لزوم تشکیل جلسه رسیدگی در مرحله تجدید نظر موجب تراکم بیش از بیش پرونده ها و اطاله بیشتر رسیدگی خواهد شد هم اکنون در شعب کیفری دادگاه تجدید نظر استان تهران اوقات رسیدگی به بیش از ۲ سال رسیده است بدیهی است کسانی که از این وضعیت دچار آسیب خواهند شد اولاً شکات می باشند زیرا بنوعی ناامید از دستگاه قضایی گردیده و بعضاً ممکن است به مجازات شخصی متوسل شده و اساساً از دستگاه قضایی که نهاد احقاق حق افراد می باشد قطع امید نمایند دوماً

متهمین می باشند که می بایست مدت ها در بلا تکلیفی بمانند و این شرایط علاوه بر تهدید اطرافیان و خانواده ایشان موجب کسب هویت مجرمانه در طول رسیدگی و تعامل با دستگاه قضایی و عوامل آن می باشد که نهایت با برچسب مجرمانه به افراد هیچ گاه اهداف مجازات محقق نخواهد شد و سوماً خود دستگاه قضایی متضرر خواهد شد زیرا در این مسیر اعتماد و اطمینان مردم که مهمترین سرمایه دستگاه قضایی است در معرض تهدید قرار خواهد گرفت و چهارماً پیرو همه این موارد نظم اجتماعی جامعه در معرض زلزل قرار خواهد گرفت. اجرای نهاد معامله اتهام می تواند بابتی برای نظام قضایی برای حل فصل پرونده های زیادی از طریق معامله اتهام گشوده و از این رهگذر ضمن کاهش زمان رسیدگی و کاهش تعداد پرونده ها زمان بیشتری در اختیار قضات جهت رسیدگی دقیق تر به پرونده های دارای اهمیت بالا قرار دهد.

۵- تعیین تکلیف سریع متهم

از فواید دیگر معامله اتهام می توان به خروج متهم از بلا تکلیفی بدلیل عدم ثبوت مجازات اشاره کرد (مرادی، موسوی مجاب، عدالت جو، ۹) خصوصاً در جرایم قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۰ که بعضاً فاصله میان حداقل و حداکثر مجازات یک تا ده سال می باشد (بعنوان مثال ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی) که به عبارتی در سیر رسیدگی عادی و محاکمه متهم دائماً در بلا تکلیفی قرار دارد که قاضی صادر کننده رای چه میزان از مجازات قانونی را برای وی در نظر خواهد گرفت. نهاد معامله اتهام می تواند ریسک مجازات حداکثری را برای متهم کاهش داده و به سرعت با انجام توافق تکلیف وی را مشخص نماید. در واقع آنچه به عنوان یک اصل اساسی باید در نظر داشت این است که دادگاه ها و مراجع قضایی باید با دقت، اقتدار و ورای هرگونه شک معقول دلایل اثبات اتهام را فراهم نموده و طبق قانون متهم را مجازات نمایند. البته نباید فراموش کرد که نهاد معامله اتهام یکی از طرق ویژه و خاص رسیدگی به پرونده های کیفری با هدف کاهش تراکم پرونده ها می باشد و در واقع یک راه استثنایی و خلاف اصل و در جهت مختومه نمودن پرونده های کم اهمیت تر به جهت ایجاد فرصت مناسب برای مقامات قضایی جهت رسیدگی دقیق تر به پرونده های مهمتر می باشد و در اینجا می توان به عنوان راهی میان بر و مُسکِن از آن یاد برد. در این خصوص دیوان عالی آمریکا در سال ۱۹۷۱ در پرونده سانتوبلو در رای صادره اینگونه مهر



تاییدی بر معامله اتهام زد: "حل و فصل اتهامات کیفری از طریق توافق بین دادستان و متهم که سابقاً به سستی «معامله اتهام» نامیده شد، یک عنصر اساسی حکومت در عدالت می باشد، اداره کردن درست آن دلگرم کننده است، اگر همه اتهامات در معرض محاکمه همه جانبه و در مقیاس کامل بود دولت ها و حکومت های فدرال نیاز به افزایش چندین برابری قضات و امکانات دادگاه ها داشتند." (Beall, ۲۰۱۱، ۳) در واقع چنانچه کلیه امکانات لازم اعم از نیروی انسانی، دادگاه ها و ... جهت رسیدگی استاندارد به تمامی اتهامات وجود داشت شاید صحبت از معامله اتهام امری غیر لازم و خلاف بود اما در وضعیت نامتناسب فعلی که امکان رسیدگی سریع و همه جانبه به تمام پرونده ها وجود ندارد و تعداد پرونده ها چندین برابر ظرفیت موجود دستگاه عدالت کیفری است معامله اتهام راه حلی برای تعیین تکلیف پرونده های کم اهمیت تر می باشد تا از این طریق فرصت و امکانات موجود برای رسیدگی به اتهامات سنگین تر فراهم گردد. باید توجه داشت معامله اتهام یک روش یک معامله برد-برد محسوب می گردد که طی آن هم دادستان توانسته با کمترین هزینه زمان دلایل کافی جهت اثبات اتهام را که همان اقرار می باشد فراهم کند و هم متهم با این روش تخفیف معقول را اخذ کرده و از بلا تکلیفی و سرگردانی رها شده است.

۶- نقاط ضعف معامله اتهام

بدون شک نهاد معامله اتهام در کنار فوائد ذکر شده دارای نقاط ضعفی نیز می باشد که لازم است در زمان وارد نمودن این نهاد در نظام قضایی ایران مورد توجه قرار گیرد. در این خصوص می توان به اختیارات وسیع دادستان در معامله، ابهام در کشف حقیقت و احتمال اقرار به جرم توسط متهمان بی گناه و خدشه دار کردن اصل برائت نام برد:

۶-۱- اختیارات وسیع دادستان

یکی از عللی که روند معاملات اتهام در آمریکا را با انتقاد مواجه ساخته است این است که در مقایسه با قضاتی که دارای دستورالعمل های مجازات محدودی هستند، اختیارات وسیعی به دادستان ها داده شده است. در واقع مشخص شده است هنگامی که دلایل پرونده بی اساس است، دادستان ها برای اطمینان از محکومیت، از تهدیدهایی استفاده می کنند که متهمان را مجبور به پذیرش «معامله اتهام» کنند. علاوه بر این محققان متعددی خاطرنشان کرده اند که تعصبات دادستانی می تواند در روند معاملات اتهام اثر



بگذارد، زیرا هنگامی که دادستان‌ها اتهامات متخلفین را کاهش می‌دهند آزادی عمل بسیار وسیعی را کسب می‌کنند. همچنین اختیارات وسیع دادستانی منجر به تحمیل مجازات سختگیرانه‌تر برای متهمینی که به جای معامله اتهام محاکمه شدن را انتخاب می‌کنند، شده است. (devers, ۲۰۱۱، ۲) دادستان‌ها بعنوان یک طرف معامله دارای اختیاراتی هستند که استفاده بیش از حد از این اختیارات در روند مدارکرات معامله اتهام تاثیر خواهد گذاشت. مثلاً بازداشت پیش از محاکمه تاثیر زیادی در تصمیم مجرم در قبول معامله اتهام دارد. افرادی که در بازداشت به سر می‌برند بیشتر احتمال دارد که معامله اتهام را بپذیرند و کمتر احتمال دارد که اتهامات شان کاهش پیدا کند. (devers, ۲۰۱۱، ۲) بنابراین در اجرای این نهاد باید تدابیر لازم در این خصوص اندیشیده شده و این اختیارات در مذاکرات محدود گردند.

۶-۲- اقرار به گناه متهمان بی گناه و ابهام در کشف حقیقت

این امر عوالم متعددی دارد در واقع از یک سو فقدان حمایت‌های رویه‌ای و اساسی برای متهم در جریان معامله اتهام و فقدان نظارت قضایی، این احتمال را افزایش می‌دهد که به طور فزاینده‌ای بی‌گناهان برای اجتناب از مجازات شدید پس از محاکمه مجبور به اقرار به جرم شوند. (strsng, ۲۰۱۴، ۳) از سوی دیگر برخی محققان جرایم قابل مقایسه‌ای را بررسی کردند و دریافتند که کسانی که به محاکمه می‌روند نسبت به کسانی که معامله اتهام را می‌پذیرند به مجازات سخت‌تری محکوم می‌شوند. علاوه بر این چندین مطالعه روش شناختی صحیح نشان داده است افرادی که اقرار به جرم نموده و معامله می‌کنند نسبت به کسانی که به محاکمه می‌روند به مجازات سبک‌تری محکوم می‌شوند. (devers, ۲۰۱۱، ۲) بنابراین در مقام انتخاب تمایل متهمان به مجازات‌های سبک‌تر باعث به حاشیه رفتن حقیقت و اقرار به گناه بر خلاف واقعیت نمایند. شاید بزرگ‌ترین نگرانی این باشد که حداقل در حال حاضر که معامله اتهام در ایالات متحده آمریکا انجام می‌شود، می‌تواند آنقدر اجباری باشد که منجر به اقرار به جرم برخی افراد بی‌گناه گردد. اختیارات گسترده دادستانی برای ارائه تخفیفات همراه با مجازات‌های اولیه سنگین، فشارهای قابل توجهی برای پذیرش معامله اتهام به متهمین وارد کرده است. اطلاعات مربوط به ثبت ملی براءت‌ها (NRE) این نگرانی‌ها را تایید می‌کند: از ژانویه سال ۲۰۱۷ تقریباً ۱۸ درصد از



برائت ها (۳۴۳ مورد از ۱۹۵۶ مورد) ثبت شده در (NRE) محصول اقرار به جرم می باشد. این درحالی است که بسیاری از اقرار به جرم های اشتباه دیگر احتمالاً گزارش نشده اند. (turner, ۲۰۱۷, ۲) برای درک بهتر معضل اقرار به جرم متهمان بی گناه یک مطالعه ابتکاری روان شناختی «فریب» که به یک تحقیق جهانی تبدیل شده است، انجام گرفته است. در این مطالعه محققان به دنبال این بودند که بدانند چقدر احتمال دارد یک فرد بیگناه در ازای مزایای معامله «اقرار به جرم» کند. برای آزمایش این جنبه از تصمیم گیری متهم، محققان دانشجویان را به شرکت در یک پروژه دعوت کردند. آنها معتقد بودند برای آزمایش کار گروهی و کار فردی، یک سری از سوالات به سبک LSAT طراحی نمایند. برای بررسی این پدیده، همه دانشجویانی که در این آزمون شرکت کرده بودند در بخش کار فردی به تقلب متهم شدند. با توافقی که در اتاق انجام شد ساختار به گونه ای بود که فقط نیمی از دانشجویان را درگیر تقلب کند، نیمه دیگر بدون هرگونه تقلبی آزمون را انجام دادند. بدون در نظر گرفتن گناهکاری و بی گناهی واقعی و بدون دانستن اینکه کدام یک از دانشجویان واقعاً تقلب کرده بودند به همه شرکت کنندگان پیشنهاد معامله در ازای اقرار به تقلب مورد ادعا داده شده بود. اگر دانشجویی به تقلب اعتراف می کرد تنبیه او به خاطر شرکت در این پروژه از بین می رفت. همچنین شرکت کنندگان آگاه شدند که اگر از معامله امتناع کنند موضوع به «هیئت بررسی علمی» ارجاع خواهد شد. این هیئت برای شرکت کنندگان به نحوی توصیف شده بود که شبیه یک هیئت منصفه محاکمه با حق ارائه مدارک و شهادت به نظر می رسید. اگر قبل از ارجاع به این هیئت محکوم شدند تنبیه نمی شدند و فقط مشاوری دانشکده از موضوع مطلع می شد و هم چنین ملزم به شرکت در یک دوره اخلاقی می شدند. این دوره اخلاقی که اتلاف وقت تلقی می شد، شبیه یک دوره حبس بود. در حالی که این سناریو کاملاً سیستم عدالت کیفری را بازآفرینی نکرده بود اضطراب تجربه شده توسط شرکت کنندگان، شبیه اضطرابی بود که مردم در زمان مواجهه با اتهام کیفری تجربه می کنند، هرچند آن قدر شدید نبود. علاوه بر این، آزمایش فوق فهم ما را نسبت به تصمیم گیری متهم با روش هایی ارتقا داد که مطالعات قبلی که فقط از سناریوهای فرضی استفاده می کردند نتوانستند ارتقا دهند. نتایج تحقیق پیشگامانه بود و به بحث طولانی در مورد اینکه بی گناهان به دروغ اقرار به جرم می کنند یا نه، پایان داد.



در الگوی تقلبها ۸۹ درصد شرکت کنندگان مقصر پیشنهاد اقرار به تقلب را پذیرفتند. با ملاحظه بیگناهان ۵۶ درصد از شرکت کنندگان خواهان اقرار دروغ به ارتکاب تقلب انجام نداده در ازای منافع معامله بودند. (dervan, ۲۰۱۹, ۸) استفان بی باس در مقاله در «طراحی معامله اتهام از پایه، صحت و انصاف بدون دخالت محاکمه‌ها» روند معامله اتهام را بیش از حد تنگ‌نظرانه و غیر قابل نفوذ می‌داند: "امروز معامله اتهام بشکل قابل توجهی به یک سیستم تنگ‌نظر و غیر قابل نفوذ تبدیل شده است. معاملات پشت پرده و مکالمه‌های راهرو سرنوشت متهمان را تعیین می‌کند. متهمان معاملات را قبول می‌کنند و یا رد می‌کنند. اغلب آنها مهلت کمی دارد که معامله را قبول کنند. اگر به قربانیان نقشی برای حرفی زدن داده شود، آن یک نقش کاملاً تشریفاتی در دادرسی و بعد از اینکه طرفین قبل نتیجه را تعیین کرده‌اند می‌باشد. قضات تاحد زیادی به عنوان رئیس تشریفاتی و بی‌نفوذ عمل می‌کنند و اعضای جامعه نقش فعالی ندارند. در نتیجه متهمان و قربانیان ممکن است احساس سردرگمی کنند" (bibas, ۲۰۱۶, ۱۲)

۷- معامله اتهام در ایران و سابقه تقنینی آن

در این فصل سابقه تقنینی معامله اتهام، ظرفیت‌های اجرای این نهاد در نظام قضایی ایران و قابلیت معامله در انواع جرایم و دادگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. معامله اتهام در معنایی که بیان شد چنان سابقه شفافی در قوانین ایران ندارد بلکه مواردی از قوانین سابق وجود دارد که دارای شباهت هایی به این نهاد سازشی می باشد. به موجب ماده ۲۲ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۵۶ در کلیه اتهامات جنحه به استثنای جنحه های باب دوم قانون مجازات عمومی هر گاه متهم به جرم اقرار نماید دادستان راسا می تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را با رعایت تبصره های ۱ و ۲ ماده ۴۰ مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفری عمومی معلق سازد:

- ۱- اقرار متهم حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد.
- ۲- متهم سابقه محکومیت کیفری نداشته باشد.
- ۳- شاکی یا مدعی خصوصی در بین نبوده و یا شکایت خود را مسترد نموده باشد.



همچنین به موجب ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۵۲ «تعلیق تعقیب» بعنوان یکی از اقدامات قضایی دادسرا تحت شرایطی پذیرفته شده است که عبارتند از: ۱- جنحه بودن اتهام ۲- اقرار متهم ۳- فقدان سابقه کیفری ۴- فقدان شاکی یا اعلام گذشت وی. در صورت اجماع شرایط فوق دادستان قرار تعلیق تعقیب را صادر و جهت تایید قرار به دادگاه جنحه ارسال می نماید. ملاحظه می گردد این مواد شباهت زیادی به نهاد معامله اتهام داشتند و اقرار مرتکب گذشت شاکی و فقدان سابقه کیفری به عنوان رکن اصلی مطرح شده اند. و آنچه در اختیار مقام قضایی دادستان قرار دارد تنها بحث تعلیق تعقیب می باشد که با اصول شرایط فوق اقدام به تعلیق تعقیب کیفری می نماید.

نکته ای که در قانون سال ۵۲ وجود دارد اینکه قرار تعلیق تعقیب می باید به تایید دادگاه جنحه می رسید اما در قانون سال ۵۶ نیازی به تایید دادگاه وجود نداشت. (آشوری، ۸۸، ۱۰۸ و ۱۰۹).

۸- ظرفیت های اجرای محدود معامله اتهام در قوانین فعلی ایران

مسئله مهم این است که با توجه به قوانین و مقررات فعلی از نظر شکلی امکان اجرای معامله اتهام در مفهوم عام که ذکر شد وجود دارد یا خیر؟ پاسخ به این سوال در دو بخش قابل بررسی است:

۸-۱- در دادگاه بخش (وحدت قاضی و دادستان)

در این دادگاه ها با توجه به اینکه دادسرا وجود ندارد و وظایف مقام تعقیب به عهده قاضی دادگاه نهاده شده است انجام توافق از نظر شکلی، پیچیدگی کمی داشته و نسبتاً ساده می باشد. به این صورت که قاضی دادگاه راساً می تواند پیشنهاد توافق را با اعطاء هریک از امتیازات قانونی از جمله تخفیف، تعلیق، قرار بایگانی پرونده، جایگزین های حبس و... به متهم بدهد و چنانچه متهم شرایط را بپذیرد توافق را در قالب دادنامه پس از اسقاط حق تجدیدنظرخواهی توسط متهم به مرحله اجرا درآورد.

۸-۲- در دادسرا و دادگاه

در حوزه های قضایی که دادسرا تشکیل شده است و پرونده باید ابتدا در دادسرا تشکیل گردد و دادستان مسئول انجام تحقیقات و جمع اوری ادله می باشد این مرحله دقیقاً محل نزاع در ممنوعیت امکان اجرای معامله اتهام می باشد بنابراین با توجه به عدم اختیارات



دادستان در انجام توافق نیازمند اصلاح قوانین و تجویز چنین اختیاری به دادستان ها می باشد. تا قبل از چنین اختیار کاملی اقدامات دادستان ها صرفاً می تواند در قالب قرار تعلیق تعقیب موضوع ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ انجام گیرد.

۹- شرایط اجرای حداکثری معامله اتهام در نظام قضایی ایران

به جهات و دلایل زیر با قوانین فعلی امکان اجرای حداکثری نهاد معامله اتهام در نظام قضایی ایران وجود ندارد و برای بهره مندی از مزایای این نهاد و حل بسیاری از مشکلات دادگاه های کیفری نیازمند اصلاح قوانین شکلی در این زمینه هستیم:

الف - مهمترین دلیل فقدان اختیار قانونی دادستان در انجام توافق و اعطاء هرگونه مزایا و تخفیف به متهم می باشد. در واقع با توجه به قاعده قانونی بودن تعقیب که در نظام قضایی ایران پذیرفته شده است دادستان موظف به تعقیب و پیگیری تمامی جرایم و اتخاذ تصمیم مقتضی اعم از منع تعقیب و موقوفی تعقیب و یا عندالزوم قرار جلب به دادرسی و صدور کیفر خواست می باشد و اساساً حقی برای دادستان جهت عدم تعقیب و یا توافق با متهم وجود ندارد. بجز در خصوص قرار تعلیق تعقیب که در ماده ۸۱ ق.ا.د.ک آمده و فقط محدود به جرایم درجه ۶، ۷، ۸ می باشد.

ب - طبق اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید از طریق دادگاه صالح و بموجب قانون باشد. بنابراین در معامله اتهام که نتیجه قطعی آن محکومیت متهم می باشد و فرض اجرای مجازات متهم محتمل است می باید این امر از طریق دادگاه صورت پذیرد و دادستان نمی تواند طی توافق با متهم مجازات را اجرایی کند.

اما نکته ای که باید بدان توجه نمود این است که در وام گیری از نهاد های حقوق از سایر نظام های حقوقی یا باید آن نهاد را بطور چشم بسته و بدون کم و کاست و با همان شرایط مقرر که در آن نظام جاری است کپی برداری کنیم و یا اینکه با اخذ اصل نهاد و بعد از توجه به اهداف فلسفه تاسیس آن نهاد با تطبیق قوانین موجود داخلی و انجام تغییرات لازم جهت هم خوانی و تطابق با قوانین موجود نهایت بهره برداری از آن را داشته باشیم بدون آنکه در ماهیت اصلی و هدف اصلی آن نهاد تغییری اعمال نماییم. به عبارت دیگر «قتباس از حقوق خارجی در صورتی مفید واقع می شود که قانونگذار تمام عوامل محیط خارجی

را با اجتماع خود مقایسه کند و هنگام وضع قانون، اخلاق و مذهب و وضع سیاسی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی و تاریخ ملت خود را از یاد نبرد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ۵۴)

در بحث معامله یا چانه زنی اتهام اگر قصد کپی برداری محض از نظام های حقوقی انگلستان و آمریکا را داشته باشیم بدون شک یا اساساً امکان اجرایی شدن در کشور با توجه به قوانین داخلی را نخواهد داشت و یا با آنچنان محدودیتی مواجه خواهیم بود که اهداف و فلسفه اصلی آن تحت شعاع قرار خواهد گرفت. شاید بتوان گفت در معنای عام معامله اتهام با توجه به امکان اجرای توافق میان مقامات قضایی (و نه صرفاً دادستان) و متهم و در نظر داشتن ظرفیت های موجود در قانون مجازات اسلامی اعم از تخفیف، تعلیق و مجازات های جایگزین حبس اقداماتی را انجام داد و ملاحظه می شود دست قاضی دادگاه در اعمال این چنین امتیازاتی با مجازات های مختلف و درجات گوناگون باز می باشد. جالب اینکه در حال حاضر هم بسیاری از این محاکم در پرونده های مختلف از این تخفیفات استفاده می کنند و هدف اصلی این مقاله بیان این مساله است که چرا اینگونه تخفیفات را بعد از گذشت مدت زمانی قابل توجه (بعضاً چند ساله) و ورود پرونده به دستگاه قضایی اعم از دادسرا، دادگاه و دادگاه تجدید نظر اعمال نماییم؟ چرا این تحقیقات را در همان بدو تشکیل پرونده در قبال همکاری متهم و یا اعتراف و اقرار وی به او اعطاء نکنیم؟ در واقع با این روش هم می توان بار جمع اوری دلایل را از دوش دادسرا برداشت هم می توان از ورود پرونده به مراحل بالاتر جلوگیری نمود و علاوه بر کاهش تورم پرونده های کیفری نسبت به سرعت اجرای مجازات و صرفه جویی در وقت و هزینه اقدام نمود. اما در صورت تجویز قانونی مذاکره توسط دادستان اختیارات دادستان جهت ارائه پیشنهاد امتیازات و تخفیفات مجازات در قوانین کیفری ایران بسیار وسیع است که این اختیارات عبارتند از:

الف- تخفیف

مصوب ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف دادگاه می تواند مجازات را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد تخفیف دهد یا تبدیل کند. امکان اعمال تخفیف در تمام مجازات ها وجود دارد و دادگاه می تواند در صورت حصول شرایط حبس را یک تا سه درجه تخفیف دهد، مصادره اموال را به حزای نقدی درجه یک



تا چهار تبدیل کند، انفصال دایم را به به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال تبدیل نماید و سایر مجازات های تعزیری را یک تا دو درجه از همان نوع تقلیل دهد.

ب- معافیت از کیفر

به موجب ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت احراز جهات تخفیف و در صورت تشخیص دادگاه مبنی بر اصلاح مرتکب با عدم اجرای مجازات، در صورت فقدان سابقه کیفری و گذشت شاکی با جبران خسارت، دادگاه می تواند حکم به معافیت از کیفر صادر نماید.

پ- تعویق صدور حکم

به موجب ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ دادگاه می تواند پس از احراز مجرمیت با ملاحظه وضعیت فردی و خانوادگی و اجتماعی و در صورت وجود جهات زیر صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق بیندازد:

- وجود جهات تخفیف
- پیش بینی اصلاح مرتکب
- جبران ضرر یا برقراری ترتیبات جبران
- فقدان سابقه کیفری موثر

در این مورد دادگاه می تواند دستور تعویق مراقبتی همراه با تدابیر ویژه صادر نماید.

ت- تعلیق اجرای مجازات

در ماده ۴۶ قانون مجازات اسلامی شرایط تعلیق اجرای حکم ذکر شده است، در جرایم تعزیری درجه ۲ تا ۸ در صورت وجود شرایط مقرر برای تعلیق صدور حکم، اجرای مجازات را به مدت یک تا پنج سال معلق نماید، در ماده ۴۷ نیز جرائمی که امکان تعلیق اجرای مجازات آنها وجود ندارد احصاء شده اند.

ث- نظام نیمه آزادی

در این نظام محکوم می تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت های حرفه ای آموزشی و... را در زندان انجام دهد. در ماده ۵۷ قانون مجازات اسلامی شرایطی برای آن ذکر شده است که عبارتند از: جرم تعزیری درجه ۵ تا ۷ - گذشت شاکی - سپردن تامین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی آموزشی.



ج- جایگزین‌های حبس

به موجب مواد ۹۴ به بعد قانون مجازات اسلامی در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف با توجه به وضعیت فرد، جایگزین‌های حبس اعم از دوره مراقبت - خدمات عمومی رایگان - جزای نقدی را می‌توان اعمال نمود. مرتکبین جرایم عمدی دارای حداکثر مجازات قانونی تا سه ماه حبس الزاماً به جایگزین حبس محکوم می‌شوند، مرتکبین جرایم عمدی دارای مجازات قانونی ۹۱ روز تا ۶ ماه الزاماً به جایگزین حبس محکوم می‌شوند مگر اینکه دارای سابقه کیفری باشند. مرتکبین جرایم عمدی دارای مجازات قانونی ۶ ماه تا یکسال دادگاه می‌تواند به جایگزین‌های حبس محکوم کند. مرتکبین جرایم غیر عمدی به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند مگر اینکه مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از ۲ سال حبس باشد که در این صورت حکم بر مجازات جایگزین حبس برای دادگاه اختیاری است.

چ- قرار بایگانی پرونده

به موجب ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ چنانچه شاکی وجود نداشته باشد یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه کیفری محکومیت موثر کیفری مقام قضایی می‌تواند با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی فقط یک بار از تعقیب خودداری نموده و قرار بایگانی پرونده را صادر نماید.

ح- تعلیق تعقیب

به موجب ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری در جرایم تعزیری درجه ۶ و ۷ و ۸ که مجازات آنها قابل تعلیق است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارده جبران یا ترتیب جبران آن داده شده باشد و متهم فاقد سابقه کیفری موثر باشد دادستان می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تامین مناسب، تعقیب وی را از ۶ ماه تا ۲ سال معلق کند و دستوراتی را صادر نماید که متهم مکلف به اجرای آنها می‌باشد.



۱۰- حدود اجرای نهاد معامله اتهام در جرایم و دادگاه های مختلف

اجرای نهاد معامله اتهام در انواع جرایم از جمله جرایم علیه اشخاص، جرایم علیه اموال و جرایم علیه امنیت و همچنین در جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت و جرایم در صلاحیت دادگاه های کیفری یک و دو قابل بررسی است:

الف: جرایم علیه اشخاص

جرایم علیه اشخاص جرایمی هستند که یا علیه خود شخص ارتکاب می یابد یا بر علیه تمامیت جسمانی فرد و یا بر علیه حیثیت معنوی وی ارتکاب می یابند. (صادقی، ۱۳۹۳، ۱۹). در خصوص جرایم بر علیه جسم فرد به جز جرایمی که دارای مجازات قصاص می باشد مثل قتل عمدی و یا جنایت عمدی بر اعضاء بدلیل اینکه قصاص حق ولی دم یا مجنی علیه می باشد امکان معامله و توافق بر آن وجود ندارد اما در خصوص سایر جرایم بر علیه جسم که دارای مجازات دیه می باشد با توجه به اینکه مجنی علیه فقط مستحق دیه می باشد، در صورت پرداخت دیه و اخذ رضایت وی در میزان مجازات وی از لحاظ جنبه عمومی امکان توافق وجود دارد همچنین در سایر جرایم بر علیه اشخاص که دارای مجازات تعزیری می باشند نظیر جرایم بر علیه حیثیت معنوی افراد همچون توهین، تهدید، مزاحمت، نشر اکاذیب، افتراء، افشاء اسرار حرفه ای، اختفای غیر قانونی و ... که مقام قضایی در چارچوب قوانین اختیار اعطاء امتیازات مقرر در ماده ۴۷ تا ۹۴ قانون مجازات اسلامی را به متهم دارد، معامله اتهام قابل اعمال و اجرا می باشد لکن در جرایم دارای مجازات حدی چون زنا، لواط، قذف و... نیز مقام قضایی حقی در تغیر میزان مجازات را نداشته فلذا امکان اجرای معامله اتهام وجود ندارد. شایان ذکر است نظر به اینکه براساس سفارشات دینی در برخی جرایم بخصوص جرایم منافی عفت که افشای آن موجب هتک حیثیت مسلمانان می شود قانون ایران سیاست بزه پوشی را در پیش گرفته است. این سیاست که مبتنی بر کیفر زدایی است تلاش می کند که جرایم و زشتی های مردم تا آنجا که ممکن است مخفی مانده و از افشاء و اظهار و پیگیری آنها خودداری گردد. (صادقی، ۱۳۷۸، ۱۸۸) ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ هر گونه تحقیق و بازجویی در جرایم منافی عفت را، در صورت نبود ادله قانونی ممنوع کرده است و در ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ انجام هرگونه تحقیق و تعقیب در جرایم منافی عفت ممنوع شده است.



بموجب تبصره همان ماده در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدو قصد اقرار داشته باشد قانون وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند. ملاحظه می‌گردد در اینگونه جرایم با توجه به نص قانون تبصره ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری، در مقابله ی آشکار با فرایند معامله اتهام قرار دارد به نحوی که در معامله اتهام مقام قضایی متهم را ترغیب به اقرار به ارتکاب جرم می‌نماید و به وی وعده تخفیف و تساهل می‌دهد در حالی که طبق قوانین فوق الذکر وظیفه قاضی در اینگونه جرایم توصیه به عدم اقرار بوده و سفارشات دینی نیز تاکید بر بزه پوشی دارند. فلذا اینگونه جرایم که به طور مستقیم در دادگاه رسیدگی می‌شود قابل مذاکره در معامله اتهام نخواهد بود. ب: جرایم علیه اموال و مالکیت

در جرایم علیه اموال بدلیل ارتباط نزدیک آن با حقوق مدنی، سخن از توافق و معامله بیهوده نخواهد بود، با در نظر داشتن این مقدمه که بسیاری از جرایم علیه اموال قابل گذشت می‌باشند بنابراین در فرض جبران خسارت زیان‌دیده و اخذ رضایت وی اساساً نوبت به معامله نخواهد رسید، فلذا با توجه به پیش شرط معامله اتهام ایرانی که ذکر کردیم (اخذ رضایت شاکی به جهت قربابت به عدالت ترمیمی توجه ویژه ای به جبران خسارت زیان‌دیده داشته و آن را مقدمه معامله اتهام دانستیم) در جرایم قابل گذشت با رضایت شاکی پرونده مختومه می‌گردد. همانگونه در مواد ۲۷ الی ۸۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ نیز عمده‌تاً در شرایط اعطاء امتیازات نظیر تخفیف، تعلیق، جایگزین حبس و... جبران خسارت زیان‌دیده و اخذ رضایت وی بعنوان شرط لازم ذکر شده است، در صورت جبران خسارت زیان‌دیده و اخذ رضایت وی در جرایم قابل گذشت سخن از معامله اتهام سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود. لیکن در جرایمی که غیر قابل گذشت می‌باشند نظیر سرقت و کلاهبرداری معامله اتهام در حدود اختیارات قانونی مقام قضایی قابل اعمال و اجرا می‌باشد.

ج: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی

در جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی با توجه به اینکه عمده این جرایم به طور مستقیم و غیر مستقیم بر علیه حاکمیت می‌باشد اصولاً سخت‌گیری بیشتری نسبت به مرتکبین این جرایم وجود دارد. از طرفی اقتدار حاکمیت در برخورد با این دسته از جرایم باید حفظ



شود و اقدام به هر گونه پیشنهاد، مذاکره و معامله اتهام در این موارد به نظر موجب خدشه به اقتدار حاکمیت و نشان دهنده ضعف آن می باشد فلذا در این جرایم اصل بر عدم اجرای معامله اتهام می باشد. با این وصف قابل توجه است قانونگذار خود در برخی مواد نظیر ماده ۵۰۷ قانون تعزیرات مصوب ۷۵ مفاد معامله اتهام را پیشنهاد داده است:

"هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری موثری بعمل آورد از مجازات معاف و در صورتیکه شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد." در این ماده قانونگذار به متهم پیشنهاد داده است چنانچه عضو دستجات مفسدین می باشد و ریاست و مرکزیتی نداشته باشد و قصد جنایت را به اصلاح مأمورین برساند از مجازات معاف خواهد بود. دلیل پیش بینی این تخفیفات یا معافیت از مجازات در اینگونه جرایم سنگینی آثار و خطرات گسترده نهفته در آنهاست. افزون بر این کشف و تعقیب اینگونه جرایم و مجرمین بدلیل ماهیت مخفیانه و سازمان یافته ی آنها با دشواری انجام می گیرد و بهترین راه برای کشف این جرایم جلب همکاری مجرمین می باشد. (صادقی، ۱۳۹۳، ۱۴۳). بنابراین اگرچه اساساً برخورد با جرایم علیه حاکمیت و امنیت بدلیل ارتباط مستقیم با نظم عمومی بدون ارفاق صورت می گیرد اما با وحدت ملاک از ماده ۵۰۷ در موارد مشابه در صورت مصلحت و دفع افسد پیشنهاد معامله اتهام در صورت وجود شرایط مقرر قانونی با مانعی مواجه نخواهد بود.

علاوه بر این در جرایمی که مستقیماً با امنیت عمومی مرتبط نیستند مثل جعل، اتلاف، تخریب، رشا، ارتشا و... در مواردی که در اعطاء امتیازات قانونی در مواد ۳۷ الی ۸۷ قانون مجازات اسلامی مانعی وجود نداشته باشد معامله اتهام قابل طرح و اعمال خواهد بود.

د: جرایم ارتكابی بزهکاران یقه آبی

اصطلاح بزهکاران یقه آبی که معمولاً در مقابل بزهکاران یقه سفید قرار می گیرند به فردی اطلاق می گردد که غالباً فاقد قدرت و اعتبار فوق العاده اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی بوده و معمولاً به دلیل فشارهای اجتماعی و اقتصادی دست به ارتکاب جرم می



زنند. (میر خلیلی، ۱۳۹۵، ۱۳) ناهنجاری های ارتکاب یافته توسط این افراد عموماً از نوع سنتی و با تکیه بر زور می باشد و راهی نمودن این دسته از افراد به زندان می تواند به قابلیت کسب هویت مجرمانه آنها کمک کند. از همین رو بنظر می رسد پیشنهاد معامله اتهام به دسته از افراد در خصوص جرایم دارای اهمیت کمتر می تواند به بازاجتماعی شدن آنها کمک کرده و مانع ادامه مسیر بزهکاری از طریق مواجهات مکرر با مراجع تعقیبی و دادرسی و زندان باشد. در مقابل اگرچه ظرفیت پیشنهاد این نهاد به مجرمان یقه سفید وجود داشته و می تواند با درنظر گرفتن شخصیت و نوع بزه ارتكابی معامله نمود امامی توان گفت این امر ممکن است کمکی به اهداف اجرای این نهاد در نظام های قضایی نکند. به این جهت که معمولاً مجرمین یقه سفید دارای ظرفیت جنایی بالا و قابلیت انطباق اجتماعی بالایی هستند و می توان گفت پیشنهاد معامله اتهام به این دسته افراد تاثیری قابل توجهی در بازدارندگی نخواهد داشت.

۱۱- قابلیت اجرای نهاد معامله اتهام در جرایم قابل گذشت و غیر قابل گذشت

همانگونه که اشاره شد در معامله اتهام، آنچه از طرف مقام قضایی جهت پیشنهاد و ارائه به متهم وجود دارد عبارتند از تخفیف، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی، مجازات های جایگزین حبس، قرار بایگانی پرونده و قرار تعلیق تعقیب می باشد. قانونگذار در بحث تخفیف در بند الف ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، در تعویق صدور حکم در بند پ ماده ۴۰، در تعلیق اجرای مجازات در ماده ۴۶ (عطف به ماده ۴۰)، در در نظام نیمه آزادی از ماده ۵۷، در مجازات های جایگزین حبس در ماده ۶۴، در قرار بایگانی پرونده در ماده ۸۰ و تعلیق تعقیب در ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری به طور مستقیم جبران ضرر و زیان شاکی خصوصی و در مواردی اخذ رضایت زیان دیده را شرط اعطاء آن امتیازات قرار داده است. با این فرض در جرایم قابل گذشت چنانچه متهم رضایت شاکی را اخذ نماید به لحاظ فقدان جنبه عمومی سخن از مجازات و معامله اتهام و چانه زنی بر سر میزان مجازات بلاوجه خواهد بود مگر در مواردی که علی رغم جبران خسارت توسط متهم، شاکی خصوصی رضایت ندهد که در این صورت راه برای معامله اتهام هموار خواهد بود. اما جرایم غیر قابل گذشت در صورت مهیا بودن شرایط قانونی، محل اصلی معامله اتهام و اجرای این فرایند سازشی محسوب می گردند.



۱۲- قابلیت اجرای معامله اتهام در جرایم تحت صلاحیت دادگاه های کیفری دو

بر اساس ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ جرایم دارای مجازات قانونی سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و تعزیر درجه ۳ و بالاتر و جنایات علیه تمامیت جسمانی با میزان دیه نصف دیه کامل می باشد و جرایم سیاسی و مطبوعاتی در دادگاه کیفری یک استان رسیدگی می شود. بموجب ماده ۲۹۶ همان قانون رسیدگی در دادگاه کیفری با تعدد قاضی رسیدگی می شود. بنابراین امکان اجرای معامله اتهام در جرایم در صلاحیت این دادگاه ها بدلیل وجود قضاات متعدد اگرچه غیر ممکن نیست اما دشوار است. از طرفی هدف قانونگذار از تفکیک این جرایم و قرار دادن آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک، بدلیل اهمیت جرایم و تاثیرات آن بر بزه دیده و جامعه می باشد. از طرف دیگر همانگونه که بیان گردید هدف معامله اتهام کاهش تورم پرونده های کیفری از طریق حل و فصل پرونده های دارای اهمیت کمتر از طریق معامله اتهام جهت فراهم نمودن شرایط و زمان مناسب برای قضاوت جهت رسیدگی دقیق به پرونده های دارای اهمیت بیشتر می باشد. با این دلائل به نظر میرسد جرایم درجه ۴ و بالاتر تر که در صلاحیت دادگاه کیفری دو می باشد قابلیت حل و فصل از طریق معامله اتهام را خواهند داشت و جرایم در صلاحیت دادگاه کیفری یک از حیطة ی این نهاد سازشی خارج خواهند بود.

۱۳- اصول پیشنهادی معامله اتهام ایرانی

در معامله اتهام ایرانی باید اصولی را رعایت نمود تا هم ما را در حرکت به سمت اهداف تعیین شده برای این نهاد یاری دهد هم نقاط ضعف آن را در کشور های غربی مرتفع نماید. برای نیل به این اهداف دو اصل اساسی مد نظر می باشد که هر توافقی می باید منوط به حصول این شرایط باشد.

الف- لزوم اقرار متهم به ارتکاب جرم

مهمترین شرط انجام توافق اقرار متهم و پذیرش تقصیر می باشد بدین گونه که با اقرار متهم دادستان بی نیاز از انجام سایر تحقیقات گردد و در واقع آورده ی متهم در این معامله همین اقرار وی می باشد. البته باید توجه داشت در مواردی که دلائل بر علیه متهم بقدر کافی موجود است ولی جهت دسترسی به ابعاد دیگر پرونده یا دستگیری سایر متهمان



نیازمند همکاری متهم می باشیم. توافق می تواند بر مبنای سایر همکاری های متهم با دستگاه قضایی صورت بگیرد.

ب- لزوم اخذ رضایت شاکی خصوصی یا جبران خسارت وی یا برقراری ترتیبات جبران یکی از انتقاداتی که معامله اتهام در کشورهای انگلستان و آمریکا وارد است بحث عدم توجه به حقوق بزه دیده است بر همین اساس در معامله اتهام ایران از ارکان اصلی توافق در پرونده هایی که دارای شاکی خصوصی می باشد، اخذ رضایت شاکی یا جبران خسارت وارده به وی و یا برقراری ترتیبات جبران خسارت می باشد زیرا همانگونه که ذکر شده یکی از اهداف معامله اتهام حرکت به سوی عدالت ترمیمی می باشد زیرا با توجه به اینکه در اجرای مجازات بزهکار تساهل می شود وقتی ممکن است اجرای آن معلق شود لازم است توجه ویژه ای به بزه دیده و جبران خسارت وارده به وی نمود.

نتیجه گیری

از مجموع مباحث مطرح شده در خصوص معامله اتهام ایرانی می توان گفت اجرای این نهاد بویژه در خصوص بز هکاران یقه آبی در صورت تجویز قانونی با توجه به مشکل دستگاه قضایی در خصوص تراکم پرونده های کیفری، علاوه بر حل مشکل تراکم پرونده ها موجب صرفه جویی در وقت و هزینه از طریق جلوگیری از ورود پرونده به مراحل بالاتر، افزایش سرعت اجرای مجازات، اصلاح مجرمین غیر حرفه ای، ترغیب و تشویق افراد به سمت صلح و سازش، قضازدایی و باز جامعه پذیری از طریق جلوگیری از ورود افراد به زندان می شود. در واقع این نهاد ظرفیت بسیار بالایی برای حل و فصل تعداد بسیار زیادی از پرونده های کیفری را دارد که می تواند انقلابی در رسیدگی های کیفری بوجود آورد. علاوه بر آن درج شرط جبران ضرر شاکی بعنوان پیش شرط توافق می تواند یک گام بلند در نیل به آرزوی گذار از عدالت کیفری و حرکت به سمت عدالت ترمیمی محسوب گردد. باید توجه داشت ظرفیت قضایی برای رسیدگی استاندارد به تمامی پرونده های کیفری با محدودیت جدی مواجه است. این نهاد در نظام های حقوقی آمریکا و انگلستان چنان نهادینه شده است که هم اکنون اگر این نهاد از نظام حقوقی آنها حذف شود عملاً سیستم قضایی آن ها مختل خواهد شد. بنابراین می توان از این ظرفیت بزرگ در نظام قضایی ایران بهره برد و بسیاری از مشکلات را حل نمود، تا رفته رفته که کمی ها و کاستی های آن مشخص می گردد از طریق تصویب قانون مربوطه هویت قانونی پیدا کرده و در نظام قضایی ما بسط و توسعه پیدا نماید.

منابع

۱. قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۲.
۲. قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۹۲.
۳. بکاریا، سزار (۱۳۸۵)، رساله ای جرایم و مجازات ها، مترجم محمدعلی اردبیلی، چاپ ۵، تهران، نشر میزان.
۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ ۶۱، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۵. دشتی، محمد (۱۳۸۵)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ اول، قم، نشر محدث.
۶. قمی، عباس (۱۴۳۰ ه.ق)، سفینه البحار، جلد دوم، چاپ اول، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
۷. کی نیا، مهدی (۱۳۸۸)، مبانی جرم شناسی، جلد اول، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، جرایم علیه اشخاص، چاپ ۱۷، تهران، نشر میزان.
۹. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ ۲۸، تهران، نشر میزان.
۱۰. آشوری، محمد (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ ۱۵، تهران، نشر سمت.
۱۱. ملک پور، احسان (تیر ۱۳۹۶)، میزان تاثیرپذیری مجرمین در زندان جهت تکرار جرم، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۱۹، ص ۷۱ الی ۸۳.
۱۲. حسینی، سیدمحمد (زمستان ۹۱)، بررسی نظریه برچسب زنی با نگاه به منابع اسلامی، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۲، شماره ۴، ص ۱۱۷ الی ۱۳۶.
۱۳. محمدی، جواد (بهار ۸۵)، قضا دایی و جرم زدایی از منظر قانون اساسی و حقوق اداری، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۱۹، ص ۱۰۵ الی ۱۲۱



۱۴. موسوی، سید درید؛ مرادی، فرزانه؛ عدالت جو، اعظم، معامله اتهامی به فرایند دادرسی کیفری با تاکید بر نظام حقوقی ایران، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، شماره ۱۳، ص ۱۷۶
۱۵. عباسیان، عطیه؛ عالیپور، حسن (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، ظرفیت های تعمیم نهاد معامله اتهام در نظام کیفری ایران، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۲، ص ۶۹۹ الی ۷۲۴
۱۶. حیدری، الهام (بهار و تابستان ۱۳۹۵)، معامله اتهام در حقوق کامن لا و نهادهای نزدیک به آن در دادرسی کیفری ایران، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱، ص ۴۱ لی ۶۲
۱۷. صادقی، هادی (۱۳۷۸) «بزه پوشی» مجله حقوق دادگستری، ص ۱۶۱ الی ۱۹۲
۱۸. سید محمود، میرخلیلی (۱۳۹۵) «بزه کاری یقه سفیدها از منظر امام علی (ع)» حقوق اسلامی، دوره ۱۳، شماره ۵۱
۱۹. Jenia I. Turner (۲۰۱۷) ،Plea Bargaining، SMU Dedman School of Law Legal Studies Research Paper No. ۳۴۸
۲۰. Stephanos Bibas (۲۰۱۶) ،Designing Plea Bargaining from the Ground Up:Accuracy and Fairness Without Trials as Backstops ،U of Penn Law School, Public Law R مجله حقوقی بین المللی
۲۱. esearch Paper No. ۱۶-۶
۲۲. Lindsey Devers (۲۰۱۱) ،Plea and Charge Bargaining ، <https://bja.ojp.gov/>
۲۳. Lucian E. Dervan(۲۰۱۹) ،Bargained Justice: The History and Psychology of Plea Bargaining and the Trial Penalty، university of CALIFORNIA press , Volume ۳۱, Issue ۴-۵ April/June ۲۰۱۹
۲۴. George Beall (۱۹۷۷) ،Principles of Plea Bargaining ،Loyola University Chicago Law Journal , Volume ۹, Issue ۱ Fall ۱۹۷۷
۲۵. Rpbert R. strang (۲۰۱۴) ،Plea Bargaining ,cooperation agreement , and immunity orders، unafei.or

A Comparative Study of the Role of Plea Bargaining in Enhancing the Efficiency of the Criminal Justice System

Mahdi Amiri^۱ / Seyed Mahmoud Mirkhalili^۲

Article Number: JHVMN-۲۰۱۲-۱۳۴۲

Abstract

A plea bargain is an example of contractual criminal law and is an agreement made between the prosecutor and the defendant, through which the defendant benefits from legal benefits and investigations by admitting guilt and removing the burden of investigation and evidence collection from the prosecution. Among the benefits of this institution are the reduction in the volume of criminal cases, the speed of processing and execution of punishment, compensation for the victim, prevention of recidivism, and the reintegration of the offender. This institution, while providing the basis for and encouraging individuals to compromise and reform, as emphasized in the Quran and Hadiths, can be considered one of the examples of de-judicialization in Iranian law. The weaknesses of this institution include the prosecutor's broad powers, ambiguity in discovering the truth, and the possibility of the defendants accepting false guilt.

Keywords: Plea bargaining, accused, attorney general, criminal court.

^۱. Mehdi Amiri, PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law, Faculty of Law, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author) amiri.lawyer@gmail.com

^۲. Seyed Mahmoud Mirkhalili, Professor, Faculty of Law, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Tehran, Iran. mirkhalili@ut.ac.IR

